

## و مشکلات ترکیه در اقتصاد جهانی

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با تصمیمات گوناگونی که در بیست و چهارم ژانویه ۱۹۸۰ اتخاذ گردید، ترکیه وارد عصر همکاری با اقتصاد جهانی شده است.

در واقع از همان زمان قوانین بازدارنده فسخ گردیده، اقتصاد کشور به داشتن روابط خارجی وادار شد و اینک همه انواع همکاری مورد تشویق قرار می گیرد.

همانگونه که ذیلاً خاطر نشان می شویم، تغییرات تجارت خارجی نیروی بالقوه موجود در اقتصاد را برانگیخته است.

با اینحال علی رغم گامهای مثبتی که در این زمینه برداشته شده است، مسأله شکوفایی

نخستین سالهای پیدایش جمهوری ترکیه ادامه یافت.

جنبش تجارت خارجی بخش خصوصی که بویژه طی سالهای دهه ۱۹۵۰ احیا شده بود، طی دهه ۱۹۶۰ فروکش کرد و سیاست جایگزینی واردات قوت گرفت.

هرگاه پیشرفتهای پنجاه سال گذشته مورد بررسی قرار گیرد، معلوم خواهد شد که مطرح شدن در اقتصاد جهانی «جزو اقتصاد جهانی در آمدن» زمانی بیشتر جلب توجه می کند که در چارچوب اقتصاد مختلط به بخش خصوصی اهمیت داده شود.

●  
مؤلف: پرفسور کمیل کیوانگ  
مترجم: حسن موقفی

مقدمه

مطرح شدن و حضور در اقتصاد جهانی برای ترکیه مفهوم و مسأله جدید نیست. فعالیتهای اقتصاد آزاد در راستای بازار آزاد که از قرن نوزدهم طی دوره عثمانی آغاز شد، تا

نسبت صادرات به واردات	۸۹	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱	۸۰
نسبت صادرات به واردات	۷۳٪	۸۱٪	۷۲٪	۶۷٪	۷۰٪	۶۶٪	۶۲٪	۵۵٪	۵۳٪	۳۷٪
نسبت صادرات به درآمد ناخالص ملی	۱۴٪	۱۷٪	۱۵٪	۱۳٪	۱۵٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۱٪	۸٪	۵٪

مأخذ: گزارش اقتصادی ۱۹۹۰، ۹، ۲۸۰، TOBB، آنکارا

بالتوجه اقتصادی، به علت برخی مشکلات اساسی که در ساختار اقتصادی نهفته بود، متوقف گردید و در انتظار اعمال راه‌حلهای بلندمدت باقی ماند. ترکیه بعنوان کشوری که وارد آخرین دهه قرن بیستم می‌شود، ناگزیر از اعمال نوعی اقتصاد همکاری است. نظام «آزمایش و خطا» که در خلال فرایند تلفیق با اقتصاد جهانی هنوز هم تداوم دارد، نوعی اتلاف وقت خواهد بود.

«زمان» عامل ارزشی مهمی است. رسیدن به سطح جوامعی که در حال حاضر با پشت سر نهادن دوره صنعتی در عصر فضا و اطلاعات به سر می‌برند، تنها زمانی تحقق خواهد یافت که با انتقال واحدهای (منفرد) اقتصادی به اقتصاد همکاری فعال ساختن تمام نیروهای بالقوه میسر گردد. در اینجا جایگزین سومی سواى بازار و اقتصاد برنامه‌ریزی شده خاطر نشان شده است.

ساختار ویژه مشاغل تعاونی می‌تواند اقتصاد همکاری را در چارچوب عمومی اقتصاد به وجود آورد. عنصری که مشغله تعاونی را از دیگر مشاغل متمایز می‌کند، همکاری واحدهای اقتصادی است که برای رسیدن به هدفی مشخص توان معینی دارند. آنجا که یک پیشه با فلان توان اقتصادی، توانایی نیل به اهداف موردنظر خود را ندارد، به همکاری متوسل می‌شود، در غیر اینصورت ناگزیر باید به حد توان موجود خود اکتفا نماید. اقتصادی که در جهت افزایش کامیابی جامعه تلاشهایی را معمول می‌دارد هرگز چنین تلقی و تفکری را نمی‌تواند تحمل نماید.

## بخش اول: تجارت خارجی ترکیه در دهه ۱۹۸۰

امکان بررسی تجارت خارجی ترکیه از جنبه‌های مختلف آن در دهه اخیر وجود دارد. ما مسأله را از نقطه نظر ساختار اقتصادی بررسی می‌کنیم که موجب محدودیت تجارت خارجی و کار تعاونی است. چه چیزی ما را وادار می‌کند تا در امر تجارت خارجی ترکیه

معطوف به جهان خارج دارند، ترکیه از منبع متفاوتی نیز برخوردار است. این منبع که همان ارز خارجی ارسال شده از سوی کارگران ترکیه در خارج است، در تأمین واردات کشور نقش پراهمیتی ایفا می‌کند.

به هر حال در اقتصاد مبتنی بر رقابت، عبارت دیگر، در اقتصاد بازار معیار راه یافتن به تجارت اساساً میزان صادرات است.

بنابر اطلاعات فوق ترکیه وضع بی‌ثباتی دارد. در صورتیکه از توان بالقوه اقتصادی به نحو مطلوبی استفاده شود سیاستهای مناسبی معمول گردد، ارقام صادرات رو به افزایش خواهد نهاد. اما چنانچه عوامل محدودکننده بطور مداوم وارد صحنه شوند، کارآیی این ابزار مهم در راهیابی به اقتصاد جهان، متوقف می‌شود. به اعتقاد ما از نقطه نظر تئوری کار تعاونی، لازم است این عناصر محدودکننده مورد توجه و تأکید قرار گیرد و سیاستهایی در جهت حل مشکلات معمول گردد.

## بخش دوم: ساختار اقتصادی منجر به محدودیت تجارت خارجی و جنبش تعاون

### ۱- قابلیت رقابت در بازار

چنانکه می‌دانیم قابلیت رقابت به مؤلفه‌های قیمت و کیفیت بستگی دارد. اقتصادی که برای هر نوع کالا، هر خدمت یا

به عوامل محدودکننده بیندیشیم؟ چرا ما فکر می‌کنیم که در اقتصاد ترکیه پیشرفتهای تجارت خارجی از نقطه نظر خصوصیات ساختاری محدودیت دارد؟

بر اساس جدول فوق معلوم می‌شود که نسبت صادرات به واردات تا نیمه دهه ۱۹۸۰ یک رشد تدریجی داشته که طی نیمه دوم آن دهه رو به کاهش نهاده است. در سال ۱۹۸۹، هرچند به علت ایجاد برخی آزادیها در تجارت خارجی، افتی مشاهده می‌شود، رشد صادرات کماکان مثبت است. آیا این کامیابها در دهه ۱۹۹۰ نیز ادامه خواهد یافت؟ پاسخ مثبت به این سؤال چندان آسان نیست.

زمانیکه نسبت صادرات به درآمد ناخالص ملی را مورد توجه قرار می‌دهیم، مشاهده می‌شود که این نسبت در سال ۱۹۸۹ به سطح سال ۱۹۸۴ افت کرده است. چنین افتی در نسبت صادرات به واردات مشاهده نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد رو به رشد ترکیه به امر صادرات کمتر از پیشرفت رو به رشد خود پرداخته است. هرگاه نقش روزافزون واردات را در فرآیند رشد به لحاظ آوریم، می‌توان مدعی شد که ترکیه طی مرحله مطرح شدن در جهان خارج قادر نیست تا اقتصادی مبتنی بر بازاری مستحکم به اجرا درآورد.

همانگونه که خاطر نشان شدیم، در مقایسه با دیگر کشورهایی که سیاست تجارت خارجی

هر بخشی بهای نازلتر و کیفیت بهتر فراهم کند، برای صادرات در بازار خارجی نیز توان رقابت فراهم خواهد کرد. در پاره‌ای از موارد چنانچه بالابودن قیمت با کیفیت برتر همراه

## ساختار ویژه مشاغل تعاونی می‌تواند اقتصاد همکاری را در چارچوب عمومی اقتصاد به وجود آورد.

باشد، احتمالاً قابلیت رقابت حفظ می‌شود. مهمترین نمونه از این موارد کشور آلمان است. اقتصاد آلمان سالهاست بویژه در زمینه اقتصاد کالاهای صادراتی نقش مهمی ایفا می‌کند. قیمت کالاهای آلمان عملاً بین ۱۰ تا ۳۰ درصد از کالاهای دیگر کشورها گرانتر است. با اینحال از آنجا که آنان در قبال بهای مورد تقاضای خود کیفیت بالایی نیز فراهم می‌کنند، برتری اقتصادی آنها همواره بالا نگهداشته شده است. در حصول این نتیجه دو نکته بیشترین سهم را داشته‌اند. یکی اینکه مشاغل اقتصاد آلمان نیروی کار را به خدمت می‌گیرند و نکته دوم سازمانی است که محیط مناسبی را برای استخدام نیروی کار فراهم می‌آورد. در مورد سازمان، تعاونیها و سازمانهای سطح بالای آنها نقش مهمی دارند. بخشهایی که در آنها حداکثر مشارکت فعالیت تعاونی در امر صادرات را می‌توان مشاهده کرد، صنعت کالاهای مصرفی است.

برای احراز توان رقابت از نقطه نظر کیفیت و قیمت، در زمینه صنعت کالاهای مصرفی، همکاری بین کارخانه‌ها ضرورت دارد. بعنوان یک واقعیت، قیمت‌های روزافزون مواد اولیه هزینه کارخانه‌هایی را که با مشاغل کوچک به وجود آمده‌اند، بالا می‌برد و بنابراین توان رقابت آنان را کاهش می‌دهد. حتی در کشور آلمان که بعنوان یک نمونه مثال مطرح گردید، مشاغل کوچک و متوسط است که کامیابهای تجارت خارجی را به وجود آورده است. (۱)

یکی از ویژگیهایی که ساختار اقتصادی

ترکیه را تحت تأثیر خود دارد، وجود مشاغل کوچک و متوسط است. اما این مشاغل مشکلاتی دارند که موجب کاهش توان رقابت آنها می‌شود و در حالیکه انتظار می‌رود از نقطه نظر ظرفیت تولید در تجارت خارجی نقش مهمی ایفا نمایند، از ارائه کمک مستقیمی در این ارتباط ناتوانند.

هرجا که اقتصاد بازار حاکم باشد، کار تعاونی در پرتو وجود دو زمینه مهم موفقیت آمیز است. یکی از آن دو زمینه بخش تولیدکننده کالاهای مصرفی فوق‌الاشاره است و زمینه دوم زمینه‌ای است که توان رقابت مشاغل کوچک و متوسط را هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی افزایش می‌دهد.

ساختار و تغییرات مشاغل در صنعت تولیدی ترکیه را در جدول شماره ۲ می‌توان مشاهده کرد.

جدول شماره ۲ - ساختار و تغییرات مشاغل در صنایع ترکیه

اندازه و تعداد کارگران	تعداد مشاغل	درصد کل	درصد تغییرات
۱۹۷۰ ۱۹۸۰ ۱۹۸۵	۱۹۸۵ ۱۹۸۰ ۱۹۷۰	۱۹۸۵ ۱۹۸۰ ۱۹۷۰	۱۹۸۰-۸۵ ۱۹۷۰-۸۰
۱-۹	۱۷۷۱۷۵ ۱۸۳۵۷۳	۹۷/۱ ۹۵/۳ ۹۴/۵	۴/۲ ۳/۶
۱-۴۹	۳۳۹۱ ۶۵۷۳ ۸۰۳۵	۱/۹ ۳/۵ ۴۱/۱	۹۳/۸ ۱۲/۲
۵۰ و به بالا	۱۷۵۸ ۱۲۲۱ ۲۶۱۱	۱/ ۱/۲ ۱/۴	۱۸/۸ ۲۳/۱
جمع	۱۷۵۲۹۹ ۱۸۵۸۶۹ ۱۹۴۲۱۹	۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰	۶/۰ ۴/۵

«زمان» عامل ارزشی مهمی است. رسیدن به سطح جوامعی که در حال حاضر با پشت سر نهادن دوره صنعتی در عصر فضا و اطلاعات به سر می‌برند، تنها زمانی تحقق خواهد یافت که با انتقال واحدهای منفرد اقتصادی به اقتصاد همکاری، فعال ساختن تمام نیروهای بالقوه میسر گردد.

شاخص قیمت‌های عمده فروشی کالا بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۹۰، طی یک دوره ۱۲ ماهه، ۶۸/۲ درصد افزایش داشته است. میزان این افزایش در کشاورزی ۸۹/۱ درصد، در مواد غذایی ۷۳/۶ درصد و در نساجی ۶۸/۲ درصد بوده است.

مشاهده می‌شود که در ساختار اقتصادی طی دهه ۱۹۸۰ قلمرو مشاغل کوچک کاهش و قلمرو مشاغل متوسط افزایش می‌یابد. براساس اطلاعاتی که در همان گزارش از سوی سازمان برنامه ریزی دولتی ارائه شده است، همان مشاغل علی‌رغم تعداد زیادشان،

**در پاره‌ای از موارد چنانچه بالا بودن قیمت با کیفیت برتر همراه باشد، احتمالاً قابلیت رقابت حفظ می‌شود. مهمترین نمونه از این موارد کشور آلمان است.**

**این واقعیتی پذیرفته شده است که تعاونی‌ها از نظر اقتصادی با ارائه خدمات به مشاغل مختلف، به امر ساختن محیط، هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی کمک می‌کنند.**

مشاغلی که ظرفیتهای تولیدی آنها به علت افزایش هزینه‌های ناشی از رشد قیمتهای روزافزون مواد اولیه محدود شده است، در دوره‌ای مطرح شدن در بازار جهانی، قادر به تولید کالاهای ارزان مورد نیاز اقتصاد نخواهند بود.

مآلاً، این بدان معناست که عرصه و حیطه توان آنها برای رقابت چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای خارجی روز به روز تنگتر می‌شود.

برای احتراز از بروز چنین وضعیتی در ساختار اقتصاد، معیارهای متعددی وجود دارد که دولت باید بدانها متوسل شود. این معیارها عمدتاً در زمینه‌های توسعه و تربیت نیروی کار، تأمین مالی، بکارگرفتن تکنولوژیهای جدیدی است که در اجرای برنامه‌های توسعه ۳۰ ساله گذشته و در هر دوره برنامه ریزی، پیوسته تکرار شده است.

آن دسته از سیاستهای اقتصادی که به اهمیت بخش خصوصی در اقتصاد مختلط طی دهه هشتاد کمک کرده‌اند، از اتخاذ سیاست خاصی که مبتنی بر خودیاری مشاغل کوچک و متوسط باشد، غفلت ورزیده‌اند، شاید بتوان مدعی شد تعاونیهایی که بعنوان ابزار بسیار مهم احراز شرایط اقتصاد بازار تأسیس شده‌اند، یا به شیوه‌ای غلط معمول گردیده و یا اصولاً

بکار گرفته نشده‌اند.

این واقعیتی شناخته شده است که تعاونیها با ایجاد اقتصاد تعاونی در میان مشاغل، خدمات کمکی فراهم می‌کنند.

## **۲- توان رقابت ناشی از کمک تعاونیها**

زمانیکه مشاغل متعدّد برای بازار اعم از داخلی یا خارجی کالای مشابهی تولید می‌کنند، هدف اساسی آنها ایجاد ارتباط بین هزینه و قیمت آن کالا است که بنوبه خود بیشترین سود را فراهم نماید. هرگاه آنتهابه تنهایی نتوانند به این هدف نایل آیند، راه منطقی این است که نیروهای خود را متحد کنند و یک تعاونی تشکیل دهند. با فراهم ساختن مواد اولیه تولید از طریق تعاونی خود، کاهش هزینه تولید و مآلاً افزایش توان رقابت آنان در بازار میسر خواهد بود. این کار حتی به چنان نتایج مثبتی منتهی خواهد شد که آنان را به مرحله

## **همکاری است. نظام «آزمایش و خطا» که در خلال فرایند تلفیق با اقتصاد جهانی هنوز تداوم دارد، نوعی ائتلاف وقت خواهد یافت.**

مطرح شدن در بازارهای خارجی برساند. در صورتی که قیمتهای کالاهای انحصاری یا با فرض خوشبینانه (کالاهای) چند قطبی<sup>(۳)</sup> بتواند بعنوان داده‌های اطلاعاتی تلقی گردد، این مشاغل کوچک و متوسط از طریق تعاونیهای خود می‌توانند فروش خود را در بازار حفظ کنند و احتمالاً قدرت و توان خود را برای رقابت افزایش دهند. در چنین تجدید سازمانی لازم است دولت نقش خود را در ایجاد محیط مناسب لازم ایفا نماید و برنامه‌ها حمایتی و تشویق کننده به اجرا درآورد.

در حال حاضر در ترکیه کارخانه‌های متوسطی وجود دارند که در مقیاس وسیعی به امر صادرات می‌پردازند یا شرکتهای بزرگ بازرگانی خارجی را تغذیه می‌کنند. چنان

کارخانه‌هایی بویژه در صنعت نساجی با مشاغل کوچکتر همکاری می‌کنند. کارخانه‌های متوسط مورد بحث، زمانیکه برای تجارت خارجی در میان خود یک تعاونی تشکیل دهند، توان رقابت خود را در بازارهای خارجی و با کارخانه‌های بزرگ، در بازار داخلی به نحو خارق‌العاده‌ای افزایش خواهند داد.

بعنوان لازمه اقتصاد تعاون، مشاغلی که با یکدیگر مشارکت دارند، از خدمات تعاونی بهره‌مند می‌شوند و قادر خواهند بود تا به سهولت و با هزینه‌ای کمتر به فعالیت مستقل خود ادامه دهند.

## **۳- جمع آوری اطلاعات درباره بازارهای خارجی**

مهمترین نارسایی کارخانه‌های متوسطی که در ترکیه سهم بزرگی در امر صادرات دارند، فقدان توان کسب اطلاعات از بازار است. به همین دلیل این کارخانه‌ها در فعالیتهای تجارت خارجی خود به سازمانهای بازرگانی خارجی وابسته‌اند.

در کوتاه مدت این وضعیّت موجب از دست رفتن منافع آنان می‌شود ولی وقتی سؤاله در درازمدت به لحاظ آورده شود، از آنجا که قادر به کسب اطلاعات کافی نیستند، بازارهایی را که در آنجا امکان فروش کالاهای خود را دارند نخواهند شناخت و از بازارهای جدید نیز اطلاعی حاصل نمی‌کنند. تنها شرکتهای بازرگانی خارجی با سرمایه‌های کلان به اینگونه اطلاعات دسترسی دارند و فقدان این اطلاعات به سهم خود از نظر مطرح شدن در بازارهای خارجی نیز ناکامیهایی به بار می‌آورد. در شرایطی که هزینه‌ها افزایش یابند، چنان کارخانه‌هایی احتمال دارد مشاغل کوچکی را که با آنان همکاری می‌کنند، از دست بدهند. در واقع این یک واکنش منطقی اقتصادی است. لذا نیازی نیست تا شرکتهای بزرگی را که بازرگانی خارجی را می‌گردانند، مورد انتقاد و سرزنش قرار دهیم.

در این مرحله، حاصل کار این است که

اقتصاد نمی‌تواند در هماهنگی با ساختار موجود سازمان یابد. راه یافتن در بازار جهانی یک نبرد اقتصادی است که بین کشورها آغاز شده است تا سطح دارایی‌های خود را بالا ببرند. اقتصادهایی که در این نبرد درگیر شده‌اند، درست همانند یک ارتش منظم که سازمانی مؤثر به حساب می‌آید، باید برطبق اهداف خود سازماندهی شوند.

زمانیکه مشاغل متوسط متعدد نیروی خود را با تشکیل تعاونیها و ایجاد سازمانهای سطح بالای خود متحد می‌کنند، می‌توانند توان رقابت خود را افزایش دهند.

سازمانهای سطح بالای تعاونیها که سازمانهایی عمودی و افقی به حساب می‌آیند، می‌توانند برای شرکای خود نه تنها در بازارهای داخلی بلکه در بازارهای خارجی نیز اطلاعات ارزان و قابل اعتماد فراهم کنند.

زمانیکه سازمانهای سطح بالای تعاونیها شرایط شرکت بزرگ بازرگانی خارجی را احراز کنند، با امکاناتی که فراهم می‌آورند، خواهند توانست به رشد شرکای خود از نظر اقتصادی کمک نمایند.

در ارتباط با مطرح شدن در بازار جهانی، اقتصاد ترکیه با نارسایی ناشی از عدم کفایت سازمان و ساختار خود مواجه است. همانگونه که در آغاز بحث خاطر نشان شدیم، این وضعیت یکی از دلایل مهم بروز بی ثباتی در امر صادرات است.

برای حصول رشد مشاغلی که به سطح کافی اطلاعات و توان رقابت دست یافته‌اند، افزایش تولید به وسیله اقتصاد تعاون تأمین خواهد شد. تعاونیها و سازمانهای سطح بالای آنها می‌توانند در افزایش تولید متناسب با تقاضای بازارهای خارجی مشارکت کنند، آن دسته از کشورهای اروپایی که مرحله صنعتی شدن را با موفقیت پشت سر نهادند و مواد اولیه بازارهای داخلی را بین بخشهای مختلف بدون فریبکاری فراهم نمودند، از مشاغل تعاونی بعنوان ابزار بازار اقتصاد سود برده‌اند.

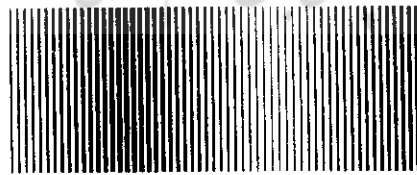
در ترکیه از این ابزار برای مقاصد عقیدتی استفاده شده است، حتی در این مورد هم

استفاده از آن به شیوه نادرستی انجام شده است.

در این مرحله اطلاعات صحیح و تربیت نیرو در تعاونیها اهمیت بیشتری می‌یابد. اقتصاد ترکیه که ناگزیر از مطرح شدن در اقتصاد جهانی بوده است، بویژه در دهه هشتاد گامهای موفقیت آمیزی را در این زمینه برداشته است. مع الوصف همانند همه اقتصادهایی که بطور

**آنجا که یک پیشه یا فلان توان اقتصادی، توانائی نیل به اهداف مورد نظر را ندارد، به همکاری متوسل می‌شود، در غیر این صورت، ناگزیر باید به حد توان موجود خود اکتفا نماید. اقتصادی که در جهت افزایش کامیابی تلاش می‌کند، نمی‌تواند روش اخیر را تحمل کند.**

**در مقایسه با دیگر کشورهایی که سیاست تجارت خارجی معطوف به جهان خارج دارند، ترکیه از منبع متفاوتی برخوردار است. این منبع که همان ارز خارجی ارسال شده از سوی کارگران ترکیه در خارج است، در تأمین واردات کشور نقش پر اهمیتی ایفا می‌کند.**



نارسانا سازماندهی شده‌اند، اقتصاد ترکیه نیز هر از گاهی با ایستایی و رکود و شرایط بی ثباتی مواجه می‌شود. برای یافتن راه حلی برای این وضعیت، وقت آن است که مشاغل بویژه مشاغل کوچک و متوسط فعالیت تعاونی را بعنوان ابزار خدمات کمکی مورد توجه قرار دهند.

## **بخش سوم: تأثیرات یکپارچه شدن با اقتصاد جهان بر روی ساختار دوگانه ترکیه و سیاست فعالیت تعاونی**

این واقعیتی پذیرفته شده است که تعاونیها از نقطه نظر اقتصاد با ارائه خدمات به مشاغل مختلف به امر فراهم ساختن محیط هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای خارجی کمک می‌کنند. با برطرف کردن زیاده رویها و نارساییها در اقتصادهای بازار مشارکت تعاونیها به امر گسترش نظام بازار در اقتصاد نیز کمک خواهد کرد.

در این مرحله قبل از هر چیز عملکرد بازار در اقتصاد ترکیه مورد توجه خاص قرار می‌گیرد.

تقریباً در کلیه کشورهای در حال توسعه ساختارهای دوگانه وجود دارد، ساختار دوگانه را نباید با اختلاف توسعه بین مناطق مختلف، اشتباه گرفت.

در کشورهایی که ساختار دوگانه اقتصادی حاکم باشد، نظام رقابت بازار به درستی عمل نمی‌کند و حتی بازار آزاد نیز نمی‌تواند پیریزی شود.

ساختار دوگانه در بازارهای نیروی انسانی، نظیر بازارهایی که کالا و خدمات فراهم می‌کنند، معتبر است. مشاغل موجود در غرب کشور یا مناطق مرمره ترکیه که قبلاً تا حدودی در بازارهای جهانی راه یافته‌اند، احتمالاً به کارخانه‌های دیگر قسمتهای کشور اجازه مطرح شدن در بازارها را، بطور کامل، نخواهند داد.

زنجیره شرکتی انحصاری در نواحی شهری عمده احتمالاً به سطحی برسند که تولید و قیمت‌های پذیرفته شده از سوی مشاغل در دیگر مناطق کشور را خواستار شوند. همانگونه که قبلاً خاطر نشان شدیم، چنان واقعیتی از نقاط نظر بازار در فرایند یکپارچه شدن با اقتصاد جهانی ظاهر می‌شود.

نتیجه چنان ساختار دوگانه‌ای وجود یک بخش در حال رشد و مشاغل ضعیف، در



اقتصاد خواهد بود این یک واقعیت است که سطح درآمد نیروی انسانی شاغل در چنان مشاغلی تفاوت‌های زیادی را نشان خواهد داد. نتیجه منفی دیگر آن را در ظرفیتهای تولیدی مشاغلی می‌توان مشاهده کرد که به چنان شرکت‌های انحصاری وابسته اند. به علت همین وابستگی در فرآیند تولید آنان ایستایی و رکود یا لااقل بی‌ثباتی و نوسان وجود خواهد داشت. در زمینه بازار داخلی مشاغلی که در مقام تولیدکننده قادر به ایجاد ارتباط موثر با بازار نباشند به نحو اکمل قادر به مشارکت در مرحله رشد اقتصادی نخواهند بود. در نتیجه تفاوتها و شکافهای عظیمی در اقتصاد ظاهر می‌شود.

مشاغلی که تولیدات خود را با قیمت‌های مطلوب به فروش می‌رسانند و دارایی خود را افزایش می‌دهند و مشاغلی که صرفاً موجودیت خود را حفظ می‌کنند و ناگزیر از همکاری فقط با شرکتها وابسته به بازارهای جهانی می‌باشند، مسأله بروز شکاف را موجب می‌شوند.

علی‌رغم این واقعیت که نیروی انسانی به خدمت درآمده در هر دو نوع مشاغل فوق‌الذکر، کیفیت و کارآیی یکسان دارند گروه‌های نیروی انسانی با درآمدهای مختلف را به وجود می‌آورند.

در ترکیه اگر بطور کلی ناحیه غربی کشور و بویژه منطقه چوکورووا را در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که یکپارچگی نسبی قبلی آنان با اقتصاد جهانی نقش مهمی را در توسعه سریع آنها ایفا کرده است.

مشاغل موجود در دیگر نقاط کشور، در هر بخشی که باشند، غالباً به این گروه وابسته اند. آنان در چارچوب یک ارتباط انحصاری از نظر بازارهای فروش و تهیه مواد اولیه صرفاً به موجودیت خود ادامه می‌دهند.

مسایل اجتماعی که در اقتصاد، پیشرفت و کامیابی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زمانی اوج می‌گیرد که تفاوت‌های بین کالا - خدمات و دستمزدها، یعنی تفاوت‌های موجود در چارچوب این ساختار دوگانه افزایش می‌یابد. چنان مسایلی که در برخی از کشورهای کم توسعه بالا می‌گیرد، موجبات بی‌ثباتی سیاسی آنها را فراهم می‌آورد.

فقط معیارهای مؤثری که از سوی دولت اتخاذ بشود، احتمالاً این مسایل را کاهش خواهد داد. به هر حال هرگاه عملکرد اقتصاد بازار مورد غفلت قرار گیرد. مشکل قابل حل نخواهد بود. اگر هدف یکپارچگی با نظام بازار معتبر در سطح جهانی است، فراهم ساختن عملکرد مطلوب مکانیسم بازار، در بازار داخلی ضرورت خواهد داشت.

برای فراهم ساختن این عملکرد مطلوب، ایجاد محیطی مناسب ضرورت می‌یابد تا با از میان برداشتن کلیه شرکت‌های انحصاری جایگزین شده در اقتصاد، مشاغل موجود و یا مشاغل جدید را برای ورود به بازار قادر سازد. برای تحقق چنین مقصودی تعاونیها مناسبترین ابزار به حساب می‌آیند. هر تعاونی برای اعضا و شرکای خود رشد اقتصادی، توان رقابت و بعلاوه حفاظت و حمایت آنها را در بازاری که وارد شده‌اند، تأمین می‌کند. به علت وجود ارتباط و سازمانهای عمودی بین بازارهای داخلی و خارجی کسب و انتقال اطلاعات میسر خواهد بود. در نتیجه نوعی سیاست تعاون که باید به اجرا درآید، سطح مشاغل را در مناطق کمتر توسعه یافته ارتقاء خواهد داد و بدین ترتیب امر یکپارچگی در اقتصاد نیز تحقق خواهد یافت. ○

1. Pirovth
2. Small Industry State Planning Organig ation (DPT), Ankara 1990, OIT
3. Oligopolies



# ماهنامه تعاون آگهی می‌پذیرد

علاقتمندان به چاپ آگهی در ماهنامه تعاون می‌توانند به اداره کل تعاون استان مربوط مراجعه نموده و یا مستقیماً با دفتر مجله تعاون در تهران مکاتبه نمایند.